

هو الله - پاک یزدانا جمعیم پریشان تو بیگانه ایم...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (104) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 414

هو الله

پاک یزدانا جمعیم پریشان تو بیگانه ایم خویشان تو افسرده ایم شعله بر افروز پزمرده ایم دلها را با آتش محبت بسوز هر چه هستیم آشفته روی تو ایم و سر گشته کوی تو بیچاره ایم و آواره افتاده ایم پر آه و ناله ذراتیم ولی در هوای تو اوج یافتیم قطراتیم ولی در موج یم تو شتافتیم این خفتگان را بیدار فرما و این آوارگان را هشیار این سیاره های باختر را اختران خاور کن و این گیاه های بی ثمر را درختان بارور اگر چه ما موران ذلیلیم اما تو سلیمان پر حشمت سلطنت جلیل اگر چه ما خوار و گنه کاریم اما تو بزرگوار و آمرزگار در استعداد و استحقاق نظر مفرما و در تعینات و قابلیت ملاحظه مکن در فضل و جود خویش بر بیگانه و خویش نظر نما اگر موج دریای بخشش و دهش اوج گیرد عالم آفرینش را مستغرق نماید اگر انوار ساطعه خورشید آمرزش بدرخشد ظلمات حال که سیئات و خطیئات را پرتوی محو نماید تجلی ماء طهور است و فیض اصل صهبای کأس مزاجها کافور آن هر آلوده را پاک نماید و این هر افسرده و پزمرده را چابک و افروخته و چالاک ای پروردگار این حروف مفرده را کلمات تامات کن و این کلمات مجمله را آیات باهرات تا حجج بالغه گردند و رحمت سابقه حقیقت فائقه شوند و نعمت سابقه مصابیح علا گردند و مفاتیح ابواب تقی نجوم هدی شوند و رجوم نفس و هوی حقیقت فائضه گردند و عروق و شریان نابضه اشجار بوستان تو شوند و ازهار گلستان تو ای خدای مهربان این جمع پریشان هر یک از کشوری و بومی و مرزی و ثغوری یکی شرقی و دیگری غربی یکی جنوبی و دیگری شمالی همچنانکه این بیچارگان را در ملک ادنی در اشرف نقطه از ثری بعد از بقاع علیا جمع فرمودی امیدواریم که بفضل و جودت و عنایت و موهبت در اشرف نقطه از ملکوت اعلی جمع فرمائی تا کل در ظل سدره منتهی بیارامیم و بنعمت فوز بقاء فائز رب حقیق ذلک بفضلک و جودک (ع ع)



ORIGINAL